

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد همه سر به سر تن به کشتن دهیم  
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

حزب کار ایران (توفان)

۲۵ دسمبر ۲۰۲۰

## در ماوراء قفقاز چه می‌گذرد؟

(۱)

### نقش اسرائیل در قفقاز جنوبی

نقش مخرب و قطعی اسرائیل در منطقه قفقاز کاملاً روشن است. اسرائیل در شمال ایران در پی ایجاد تشنج و درگیری است و برای توجیه حضورش در منطقه خود را «یار و حامی» جمهوری آذربایجان در مقابل «تهدیدات» ایران و ارمنستان جلوه می‌دهد.

برقراری روابط دوستانه و بسیار نزدیک آذربایجان با اسرائیل و آنهم از مدت‌ها قبل، طبیعتاً تبعات نیز به همراه داشته است، زیرا اسرائیل برای یاری به آذربایجان به منطقه نیامده است، بلکه می‌خواهد به ضد دشمنش ایران به مبارزه و خرابکاری بپردازد و ایران را از جنوب و شمال محاصره کند و جنگ ضد ایرانی را در درون خاک ایران به ایرانیان تحمیل نماید و شکل جدیدی به خاورمیانه دهد.

در همان سال ۲۰۱۰، زمانی که «شیمون پرز» به آذربایجان سفر کرد، برای نخستین بار موضوع احداث پایگاه نظامی اسرائیل در این کشور مطرح شد و آذربایجان به آن روی خوش نشان داد. این پایگاه بعداً، براساس اخباری که منتشر شده‌اند، در شمال آذربایجان احداث گردید و مورد بهره‌برداری است.

روزنامه «هآرتص»، سه‌شنبه ۱۵ مهر [میزان]، هم‌زمان با دهمین روز تجدید جنگ کنونی در قفقاز جنوبی نوشت: «در دو هفته اخیر پروازهای باربری حامل اسلحه اسرائیلی به آذربایجان به میزان چشمگیری افزایش یافته است». به گزارش این روزنامه، در دوران همه‌گیری «ویروس کرونا» فرودگاه اسرائیل «سوت و کور» است و پروازهای تجاری تقریباً وجود ندارد، اما خط هوایی باربری در مسیر تل ابیب - باکو شاهد «شکوفایی» است.

«هآرتص» نوشته است: «در شرایطی که آتشباری توپ‌ها در قفقاز طنین انداخته، افزایش پروازها در مسیر اسرائیل - آذربایجان «نتیجه مستقیم تجدید جنگ» در منطقه قره‌باغ کوهستانی است». رادارهای رصد، که پروازها را زیر نظر دارند، پرواز هواپیماهای ترابری آذری سیلکوی (Silk Way) را، که مورد استفاده وزارت دفاع آذربایجان نیز هست، در مسیر باکو به فرودگاه نظامی «رامون» در نزدیکی پایگاه ارتش اسرائیل در منطقه «عوودا» (Uvda) ثبت کرده‌اند. این پروازها، که از پیش از بروز حملات اخیر نظامی در قره‌باغ آغاز شده، ظاهراً کماکان ادامه دارد.»

«میدل ایست آی» تحت عنوان «همکاری‌های نظامی باکو - تل ابیب در جنگ قره‌باغ» در تأیید خبر فوق به صورت دقیق‌تر نوشت:

«در جریان درگیری‌ها بر سر قره‌باغ، که در آن تاکنون ۳۰۰ نظامی و غیرنظامی از دو طرف کشته شده‌اند، اسرائیل کمک‌های نظامی خود را به باکو افزایش داده است. حداقل چهار هواپیمای ایلوشین ایل-۷۶، که توسط شرکت هواپیمائی باری آذربایجانی Silk Way اداره می‌شود و به وزارت دفاع باکو خدمت می‌کند، از پایگاه هوائی ارتش Uvda اسرائیل در جنوب اسرائیل فرود آمده و بلند شده‌اند. طبق مقررات پرواز، این تنها فرودگاهی است که هواپیماهای مملو از مواد منفجره از آن اجازه پرواز دارند. مطابق مسیر پرواز خود، که در وب سایت‌های مختلف نظارت بر ترافیک هوائی ثبت شده است، ناوگان هوائی Silk Way مستقیماً از باکو به Uvda و برگشت پرواز کرد. برخی از این هواپیماها نیز طی دو هفته گذشته از باکو به انقره و استانبول پرواز کرده و به باکو برگشته‌اند.»

«حکمت حاجی‌اف»، مشاور رئیس جمهوری آذربایجان در امور بین‌الملل، در مصاحبه با سایت اسرائیلی «والا» گفته بود که «پهپادهای اسرائیلی» در دست نظامیان آذری «کارائی مؤثری» دارند. خبرگزاری‌ها خبر می‌دهند: «اسرائیل از آغاز فروش جنگ‌افزار به آذربایجان، که حداقل از سال ۲۰۰۶ در جریان بوده، مبالغ و جزئیات معاملات را محرمانه نگاه داشته است.»

به نوشته «خبرگزاری فرانسه» و «هآرتص»، «الهام علی‌اف»، رئیس جمهوری آذربایجان، در سفر «بنیامین نتانیاهو» در اواخر پائیز ۲۰۱۶ به باکو، گفته بود کشورش برای خریدهای تسلیحاتی از اسرائیل برای یک دوره چند ساله به مبلغ ۴ میلیارد و ۸۵۰ میلیون دلار تعهد داده است. اما «مؤسسه سپیری» در استکهلم تسلیحات خریداری شده اسرائیلی از سوی آذربایجان در سال‌های ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۹ را ۸۲۵ میلیون دلار ثبت کرده است.»

«روزنامه هآرتص» نوشته است که «غیرمذهبی‌بودن حکومت جمهوری آذربایجان با وجود آن که اکثریت مردم آن شیعه هستند، و نزدیکی این جمهوری به مرزهای ایران، از منظر اسرائیل، یک امتیاز مهم محسوب می‌شود.» برقراری روابط بسیار نزدیک با اسرائیل و تردد تروریست‌های اسرائیلی در ایران و آذربایجان، برگزاری کنفرانس‌های ضد ایرانی متعدد و دامن‌زدن به اختلافات در حوزه بحیره خزر (کسپین) تنها بخشی از اقدامات دولت آذربایجان در این سال‌ها بوده است. ناگفته روشن است که این گونه اقدامات تخریبی طبعاً با منافع و امنیت ملی ایران کاملاً در تناقض روشن قرار دارد. آذربایجان به جولانگاه صهیونیسم و سازمان‌های جاسوسی، امنیتی و نظامی آنها بدل شده است. بزرگترین پایگاه نظامی هوائی اسرائیل در شمال آذربایجان قرار دارد، تا از آنجا بتواند عملیات ضد ایرانی خویش را تنظیم و هدایت نماید. این یکی از مهم‌ترین دلایلی است که باعث تیرگی روابط دو کشور ایران و آذربایجان می‌شود با توجه به این که روابط آذربایجان با اسرائیل رو به گسترش است. به نظر می‌رسد هدف اصلی اسرائیل از همکاری با آذربایجان ممانعت از گسترش نفوذ ایران در منطقه است. اسرائیل نزدیکی با کشور مسلمان شیعه آذربایجان را قبل از نفوذش در امارات متحده عربی، که همه از «وهابیست»‌ها و یا زیر نفوذ «وهابیست»‌ها (به جز کشور سنی قطر - توفان) هستند، برقرار کرد که تبلیغ این نظریه بود که گویا اسرائیلی‌ها در تماس با مسلمانان، چه برسد به نوع شیعه آن، که همان نوع ایرانی است، حساسیتی ندارند. این اقدام اسرائیل برای جلوگیری از نفوذ احتمالی ایران در منطقه شیعه‌نشینان شمال قفقاز است که نفت بحیره خزر را به اسرائیل منتقل می‌کند.

به نوشته «هآرتص»، «خرید نفت از آذربایجان نیز برای اسرائیل اهمیت زیادی دارد و در برابر، اسرائیل به تأمین‌کننده اصلی جنگ‌افزار برای جمهوری آذربایجان در سال‌های اخیر مبدل شده است.»

اسرائیل با توجه به نزدیکی فرهنگی و تاریخی آذربایجان با ایران نگاهی ستراتیژیک به توسعه حوزه نفوذ خود در این جمهوری دارد و این امر را با برنامه‌های دقیق و بی‌سر و صدا به پیش می‌برد. مطلعان بر این نظر اند در شرایطی که روند فزاینده گسترش حضور رژیم صهیونیستی در گستره‌های اجتماعی، اقتصادی، تجاری، سیاسی و امنیتی آذربایجان رفته رفته ابعاد جدیدی به خود می‌گیرد، خطر خرابکاری و جاسوسی اسرائیل در و بر فراز ایران افزایش می‌یابد. بر اساس اسناد منتشر شده توسط پایگاه «ویکی لیکس» در اپریل سال ۲۰۱۱؛ رژیم صهیونیستی از خاک آذربایجان در ۴ سال اخیر برای انجام اقداماتی استفاده کرده که این اقدامات به موازات تردد برخی از تروریست‌های مرتبط با ترورهای انجام شده در ایران روی داده است. عمق روابط تل‌آبیب و باکو را می‌توان بر اساس اسناد «ویکی لیکس» از سخنان «الهام علی‌اف» درک کرد که روابط آذربایجان و رژیم صهیونیستی را همچون کوه یخ بزرگی می‌داند که تنها یک‌دهم آن قابل مشاهده است.

دولت باکو برای گسترش روابط خود با اسرائیل اهمیت ویژه‌ای قائل است، زیرا نفوذ امریکا و اسرائیل را در منطقه به ضرر توازن قوای بازیگران سیاسی مخالف در منطقه تغییر می‌دهد. خبرگزاری‌ها در ۱۲ اسفند [حوت] ۱۳۹۸ بیان کردند که وزیر دارائی جمهوری آذربایجان آقای «سمیر شریف‌اف» در اجلاس سالانه «آپیک»<sup>۱</sup> بیان داشته: «همکاری با اسرائیل محدود به عرضه نفت نیست، ما علاقه‌مندیم تا سطح همکاری‌های دفاعی و انتقال فن‌آوری را گسترش دهیم». وی اسرائیل را یکی از معدود «کشورهایی دانسته که کمک تسلیحاتی به جمهوری آذربایجان کرده است».

این مقام جمهوری آذربایجان سپس در تحلیل خود افزوده: «روابط جمهوری آذربایجان با اسرائیل نمونه‌ای برای شکستن روابط اسرائیل و عرب‌هاست» و در خاتمه سخنانی خویش در پاسخ به پرسشی پیرامون واکنش احتمالی ایران و ترکیه به حضور وی در گردهمایی «آپیک» بیان نموده: «جمهوری آذربایجان سیاست خارجی مستقل خود را دارد». تارنمای «آپیک» به نقل از روزنامه اسرائیلی «جروزالم پست» در این زمینه نوشته است: «کشور جمهوری آذربایجان به عنوان اولین کشور با اکثریت شیعه نماینده‌ای در سطح کابینه دولت برای سخنرانی در اجلاس سالانه کمیته روابط عمومی اسرائیل - امریکا داشت که تاریخی بود. این سخنرانی گامی بزرگ برای پیشبرد روابط سه جانبه میان مردم منطقه قفقاز، اسرائیل و ایالات متحده امریکاست».

شایعاتی نیز شنیده می‌شود که صرف‌نظر از اختلافات دیرینه میان آذربایجان و ارمنستان بر سر مسأله قره‌باغ، علت شکسته شدن آتش‌بس اعمال نفوذ رژیم صهیونیستی اسرائیل در قفقاز است که گویا اسرائیل مقداری از اخبار و اطلاعات نظامی آذربایجان را به اطلاع ارمنستان رسانده است، تا در قبال آن درخواست اسرائیل مبنی بر افتتاح سفارت ارمنستان در اورشلیم را بپذیرند. لورفتن این اطلاعات به آتش جنگ دامن زده است. ارمنستان قرار بود اوایل فروردین [حمل] امسال سفارتخانه خود را در سرزمین‌های اشغالی افتتاح کنند، اما با توجه به مجموعه شرایطی که در منطقه پدید آمد، این امر ظاهراً به تأخیر افتاده است.

به گزارش خبرنگار فرهنگی خبرگزاری «تسنیم» در ۲۳ آذر [قوس] ۱۳۹۸ در تماس اینترنتی که با «گردون داف»، کارشناس نظامی، از امریکا گرفته شده، وی به صراحت در برنامه اینترنتی اعلام کرده است که: «اسرائیل توافقنامه‌هایی با آذربایجان دارد و یکسری هواپیماها و پهپادهای نظامی در پایگاه‌های آذربایجان مستقر کرده است که در صورت لزوم علیه ایران از آنها استفاده کند. برای این کار اسرائیل میلیاردها دلار توافقنامه تجاری با ترکیه داشته است، تا بتواند این هواپیماها را به آذربایجان منتقل نماید. اسرائیل ۵ هواپیما را به ترکیه فرستاده و خلبانان آن در ترکیه آموزش دیده‌اند و در نهایت در آذربایجان مستقر شده‌اند و افزون بر این مهمات این هواپیماها تأمین شده است تا بتوانند

در برابر نیروی هوایی ایران بایستند». وی عنوان کرد: «جنگنده‌های F15 و F16 اسرائیلی در آذربایجان مستقر شدند و در این مسیر همراهی دولت المان را با خود داشته‌اند».

واقعیت‌ها نشان می‌دهند که تقریباً ۶۰ الی ۷۰ درصد نفت آذربایجان به اسرائیل صادر می‌شود و دولت آذربایجان نگران قطع شدن این صادرات نفت و منبع درآمد خود است. کارشناسان نظامی در مورد معاملات تسلیحاتی اسرائیل با آذربایجان نوشته‌اند که آذربایجان حداقل ۶ میلیارد دلار تسلیحات از اسرائیل خریداری کرده است که برای بحران قره‌باغ کاربرد نداشته است و حتی مستشاران اسرائیلی اجازه استفاده از این تجهیزات و به خصوص پهپادها علیه ارامنه را نداده‌اند، تا جایی که این موضوع به رسانه‌ها هم کشیده شده است و موجبات شکایت دولت آذربایجان را فراهم نموده است. دلیل این تناقض از آنجا پدید آمد که تسلیحات فروخته شده تنها برای جنگ با ایران کاربرد دارند و نه استفاده در قره‌باغ. به همین جهت به موردی اشاره می‌شود که به مدت‌ها قبل تعلق دارد به این ترتیب که چند سال پیش اسرائیلی‌ها پهپادی را از نخجوان به ایران فرستادند و نزدیکی نطنز توسط سپاه پاسداران سرنگون شد. در ابتدا مسوولان آذربایجانی از این موضوع اظهار بی‌اطلاعی کردند، اما وقتی مدارکی از جانب ایران به دولت آذربایجان ارائه شد، دیگر امکان حاشا وجود نداشت و تنها در حد یک عذرخواهی از دولت ایران بسنده کردند.

اخیراً یک فروند پهپاد انتحاری «هاروپ» در لایه مرزی کشورمان با جمهوری آذربایجان و حومه شهر مرزی پارس آباد سقوط کرده است. از تصاویر به دست آمده به نظر می‌رسد که پهپاد مزبور به مدل‌های اسرائیلی Harop شباهت دارد. همچنین بدرستی مشخص نیست که این پهپاد بر فراز آسمان کدام کشور هدف قرار گرفته است. «هاروپ»، از جمله محصولات رژیم صهیونیستی است که جمهوری آذربایجان خریداری کرده و در جنگ قره باغ استفاده می‌کند. این اولین تجاوز به خاک ایران نیست و تاکنون اسرائیلی‌ها تلاش فراوان کرده‌اند که پای ایران را به جنگی در آذربایجان و به ضد ترکیه و حمایت امریکا و اسرائیل بکشند. تاکنون پهپادهای متعددی به حریم فضای ایران تجاوز نموده‌اند و گلوله‌های متعددی به خاک ایران وارد و منفجر شده‌اند.

در همین رابطه باید به بحث ترور دانشمندان هسته‌ای ایران اشاره کرد که اسرائیلی‌ها «جمالی قشی» (عامل ترور «علی محمدی») را از فرودگاه باکو بدون این که مهر فرودگاه باکو در گذرنامه‌اش بخورد، به اسرائیل منتقل کردند و آموزش دادند و وی را برای ترور مجدداً به آذربایجان برگرداندند. این یا نشانه فعال مایشاء اسرائیل در آذربایجان است و یا این که دولت آذربایجان شخصاً در این امور با اسرائیل و امریکا رسماً همکاری می‌کند. عذرخواهی آذربایجان از ایران تنها حرف مفت است.

حضور تروریست‌های داعش، که دولت ترکیه آنها را از شمال افغانستان با عبور از فضای ترکمنستان و بحیره خزر وارد آذربایجان می‌کند و همچنین از طریق ادلب و فضای گرجستان در همکاری با اسرائیل به آذربایجان می‌فرستد، انتقام‌جویی ترکیه از ایران به خاطر شکستش در سوریه است. تضعیف ایران سیاست مشترک همه نیروهای ارتجاعی منطقه، از جمله جمهوری آذربایجان، ترکیه، اسرائیل، عربستان سعودی و امارات متحده عربی است. آنها توانسته‌اند حتی پاکستان را نیز به این جبهه ضد ایرانی در قفقاز شریک خود کنند. امریکا نیز با سیاست تجاوز به ایران از شمال خاک کشور ما کاملاً موافق است و در این ارکستر منطقه‌ای و فرمانطقه‌ای ایرانیان ناسیونال - شونیست آذری، کرد و عرب در کنار ایرانیان خودفروخته مجاهد، سلطنت طلب، چپ‌نماهای حامی تحریم ایران و تجاوز به ایران در کنار هم صف کشیده‌اند.

ابعاد مسأله قره‌باغ نشان می‌دهد که فقط اختلافات میان جمهوری آذربایجان و ارمنستان مطرح نیست، بلکه ما در این راستا با یک جنگ تمام عیار ستراتیژیک روبه‌رو هستیم که باید در خدمت تحقق نقشه جدید تقسیم خاورمیانه قرار

گیرد. ترکیه متجاوز، طالب عثمانی پان‌اسلامیستی و ناسیونال - شونیستی بزرگ تُرک‌تباران به عنوان ابزار اجرای این سیاست ارتجاعی عمل می‌کند و نمی‌فهمد که دارد شاخه‌ای را که بر رویش نشست است، می‌بُرد. سرِ نخ هدایت رویدادهای منطقه در دست اسرائیل است که هم کشورهای منطقه را علیه ایران تحریک می‌کند و هم درصدد ایجاد جنگ در شمال ایران و تقسیم‌بندی جدید منطقه خاورمیانه است تا سهم توسعه‌طلبی صهیونیسم با اشغال لبنان، سوریه، عراق، اردن و بخشی از خاک ترکیه بیش‌تر شود و سرزمین اسرائیل موعود برپا گردد. تنها نگریستن به این تحولات، از منظری که ما بیان کرده‌ایم، می‌تواند یک تصویر منطقی از تحولات منطقه ارائه دهد. ایران باید خواهان آتش بس، راه حل مذاکره و خواهان تُرک خاک آذربایجان از نیروهای جهادی، اسرائیلی و ترکیه باشد. خلق‌های منطقه خودشان باید راهی بیابند که در کنار هم با صلح و صفا زندگی کنند. اسرائیل به عنوان یک اشغال‌گر و با کشور مصنوعی‌اش در بدن خاورمیانه یک موجود بیگانه است و به این سبب مرتب در این پیکر ایجاد عفونت می‌کند. باید این غُده چرکین را زدود و این در خدمت تمامیت ارضی ایران و حق حاکمیت ملی همه کشورهای منطقه است.

ادامه دارد